نمایشگاه هنر سرامیک در فرهنگسرای نیاوران

نمایشگاه گروهی هنر سرامیک با عنوان «سازگاری؛ از قابلیت تا تسلیم» به همت انجمن هنرمندان سرامیک ایران از ۱۱ تا ۲۵ مهر در نگارخانه شماره یک این مجموعه برگزار می‌شود. این نمایشگاه با هدف معرفی قابلیت‌های هنر سرامیک و ارائه دستاوردهای نوآورانه برگزار می‌شود.

نمایش «شب» در سالن استاد سمندریان

نمایش «شب» به نویسندگی و کارگردانی شهرام گیل‌آبادی، با بازی امیرمهدی ژوله، صدف اسپهبدی، سینا صفری، مرضیه حاج‌اسماعیلی، محمدحسین ابراهیمی، سمیرا صادقی وسحر بابایی از ۹ مهرماه ساعت ۲۰:۳۰ در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود.

صفحه‌آرا: مهرداد هاشمیان

عکس تاریخی

مادر و کودک ایرانی در جنگ جهانی دوم

این تصویر از آلبوم شخصی متعلق به یک سرباز بریتانیایی از جنگ جهانی دوم یافت شده که لحظه‌ای تکان‌دهنده از دوران اشغال ایران در جنگ جهانی دوم را به تصویر می‌کشد. در این عکس، یک مادر و کودک در میان خرابه‌های شهری در حال استراحت هستند؛ درحالی‌که سربازان (احتمالاً نیروهای متفقین) در پس زمینه تصویر در حال عبور از خیابان هستند. در سپتامبر ۱۹۴۱، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی به‌منظور جلوگیری از نفوذ آلمان نازی و تأمین مسیرهای انتقال منابع به شوروی، ایران را اشغال کردند. این عملیات که به «تهاجم انگلیسی-شوروی به ایران» معروف است، منجر به تغییرات عمده‌ای در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور شد.

در این عکس، مادر و کودکی درحالی‌که در میان خرابه‌های شهری نشسته‌اند، به‌نظر می‌رسد از وضعیت جنگی و ویرانی‌های اطراف خود درمانده شده‌اند. سربازان در حال عبور از کنار آنها، نشان‌دهنده حضور نیروهای متفقین در ایران هستند.

عکس مربوط به اواخر دوره پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم است. زمانی که رضاخان با فشار نیروهای بریتانیا و شوروی از سلطنت کنار رفت و پسرش «محمدرضا» جانشین او شد. هیچ نامی از عکاس این تصویر وجود ندارد. اما همانطور که گفته شد احتمال می‌رود این عکس را یکی از افسران یا سربازان نظامی بریتانیا در زمان جنگ جهانی دوم در ایران گرفته باشد.

این دوره با تغییرات عمده سیاسی و اقتصادی، حضور نیروهای خارجی در شهرها و مناطق مهم کشور و سختی‌های فراوان برای مردم همراه بود که عکس نشان‌دهنده بخشی از این اوضاع است.

کلک

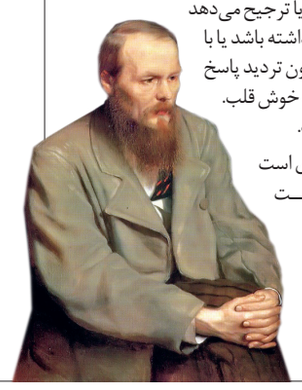

■ از هر آدم رذلی بپرسید که آیا ترجیح می‌دهد با رذلی مثل خودش سروکار داشته باشد یا با آدمی بزرگوار و خوش قلب، بدون تردید پاسخ خواهد داد: با آدمی بزرگوار و خوش قلب. پیروزی فضیلت در همین است.

■ انسان تنها موجود زنده‌ای است که نمی‌خواهد آنچه را که هست بپذیرد.

جنایت و مکافات
فئودور داستایفسکی
ترجمه مهری آهی

فضای مجازی، نوشتن روی یخ است

گفت‌وگو با سیدمحمد سادات‌اخوی، شاعر و نویسنده در برنامه «صد» تلویزیون همشهری

گفت‌وگو

علی‌الله سلیمی | روزنامه‌نگار | نویسنده، شاعر، پژوهشگر، برنامه‌ساز، مجری، مدیر فرهنگی و انواع فعالیت‌های متنوع در حوزه فرهنگ و ادبیات به‌خصوص ادبیات و هنر آیینی؛ سیدمحمد سادات‌اخوی، متولد ۱۳۵۲ تهران آثار فرهنگی فراوانی در کارنامه کاری خود دارد. امید مهدی‌نژاد، مجری برنامه «صد» تلویزیون همشهری با سیدمحمد سادات‌اخوی گفت‌وگو کرده که گزیده‌ای از این برنامه را با هم مرور می‌کنیم.

چرا سادات‌اخوی و چرا سیدمحمد؟

سادات‌اخوی که فامیلی‌مان است. ریشه‌مان یزدی است و سادات‌اخوی‌ها در آنجا خیلی معروف هستند؛ البته آن سادات‌اخوی‌های معروف، نیای ما نیست. ریشه‌مان یکی است، ولی نیای ما نیستند.

همه شغل‌هایی که تا به حال داشته‌اید؟

معاونت هنری سازمان فرهنگی و هنری شهرداری بودم. در خیلی از روزنامه‌ها، نشریات و هفته‌نامه‌ها به‌عنوان دبیر یا دبیر تحریریه و سردبیر کار کرده‌ام. بیشترین جایی که از اول بودم، مجله سروش نوجوان بود. قبلش در حوزه هنری دوره‌های کارگردانی، بازیگری و نمایشنامه‌نویسی را گذرانده‌ام. در تلویزیون هم اجرا و نویسندگی داشتم.

در کودکی به چه بازی‌ای علاقه داشتید؟

بالابلندی.

در کودکی از چه بیشتر می‌ترسیدید؟

از خوابی که در آن راننده اتوبوس بودم. در خواب از جای بلند پرت می‌شدم.

اولین حق‌التحریری که گرفتید؟

سال ۱۳۶۸ در مجله سروش نوجوان بود که مبلغ ۵۰۰ تومان را در قالب یک برگ چک گرفتم.

اولین سخنرانی‌ای که داشتید؟

به‌نظرم در سال ۱۳۶۳ بود که در هیئت مذهبی پدربزرگم درباره حضرت قاسم(ع) صحبت کردم.

تأثیرگذاری بهتر است یا ماندگاری؟

تأثیرگذاری که باشد ماندگاری هم اتفاق می‌افتد.

کیبورد یا کاغذ و خودکار؟

کاغذ و خودکار، اما مجبورم با کیبورد کار کنم. از ۲۴ سال قبل با کیبورد کار می‌کنم و حتی شعر می‌گویم. خیلی بد است، اما مجبورم و عادت کرده‌ام.

خودکار یا روان‌نویس یا خودنویس؟

بچه بودم خودنویس، بعد خودکار و بعد از آن هم روان‌نویس.

حافظ یا سعدی؟

در عاشقی سعدی، اما مأنوس از دوران کودکی با حافظ.

چرا پیر نمی‌شوید؟

ما خانوادگی چهره‌مان این‌طوری است. به‌اصطلاح بیبی‌فیس هستیم. به قول یکی از بستگان که می‌گفت ما از درون پیر می‌شویم.

شعر گفتن سخت است یا نمایشنامه‌نویسی؟

اگر عاشق باشی نمایشنامه‌نویسی، اما اگر نباشی شعر.

نوشتن سخت است یا اجرا؟

اگر نویسنده باشی اجرا آسان است؛ البته سختی خاص خودش را هم دارد؛ چون می‌دانی چه می‌خواهی بگویی، اما اگر نویسنده نباشی، اجرا خیلی سخت است.

نوشتن و اجرا و فعالیت‌هایی از این دست سخت است یا کار در حوزه مدیریت فرهنگی و هنری؟

قطعا دومی؛ چون با هزاران آدم سر و کار داری که همه فکر می‌کنند درست فکر می‌کنند و شما مجبوری به بعضی‌ها ثابت کنی که دارند اشتباه فکر می‌کنند. برای ثابت کردن این مسئله هم باید یک نمونه از کارشان را اجرا کنی و خسارت به جایی وارد کنی تا به آن شخص ثابت شود که دارد اشتباه فکر می‌کند.

از میان همه کارها کدام‌یک را بیشتر دوست دارید؟

نوشتن؛ یادداشت روزانه و شعر.

۳ کلید نوشتن برای نوجوانان؟

زلال بودن، شناختن و با خود مأنوس بودن.

۳ شیئی که همیشه همراه دارید؟

برس قدیمی چهارانگشتی، انگشتر و موی مادرم که توی پارچه سبز نگه داشته‌ام؛ بعد از فوت‌شان در فروردین ۱۴۰۴ و این را به‌عنوان آرام‌بخش قلبی خودم همراه دارم.

اگر ممنوع‌التصویر شوید، چه می‌کنید؟

شده‌ام و در این مواقع نویسندگی کرده‌ام. یک مواقعی خانه‌نشینی هم از آن کارهاست که آدم انجام می‌دهد. من خانه‌نشینی هم کرده‌ام؛ ۱۴ سال.

شبکه اجتماعی مورد علاقه‌تان؟

معتقدم همه اینها، نوشتن روی یخ است، اما از طرفی هم ارتباط با مردم را از نوجوانی دوست داشته‌ام و هنوز هم همینطوری هستم. این روزها برای نوشتن مطالب از اینستاگرام و کانال تلگرامم استفاده می‌کنم و از شبکه‌های اجتماعی داخلی هم «بله» را استفاده می‌کنم.

چند تا فالوئر دارید؟

یک صفحه‌ای را یکی از دوستانم برای من باز کرده که مجبورم کند بنویسم. در آن صفحه، ۵هزار فالوئر دارم. در صفحه دیگری که یکی از دوستانم زحمت می‌کشد و ادمین آن است، ۱۳۰۰ یا ۱۴۰۰ فالوئر دارم.

دوست داشتید در کدام واقعه تاریخی حضور داشتید؟

غدیر خم؛ خیلی پرشکوه است. آن همه آدم وسط بیابان و حرف مهم.

درباره این آدم‌ها در یک عبارت نظرت را بگو؛ منصور ارضی؟

پیشکسوت بسیار شایسته احترام. کم‌نظیر در دعاخوانی و نیایش‌خوانی.

سعید حدادیان؟

شاعر خیلی خوب، تحلیل‌کننده ادبی خیلی خوب و خوش محضر.

نریمان پناهی؟

پیشکسوت سختی کشیده که امام حسین(ع) خیلی به ایشان عنایت کرده است.

قیصر امین‌پور؟

استادم. من بخشی از تقویت فرهنگی‌ام را مدیون ایشان هستم.

کیهان بچه‌ها؟

همدم کودکی‌ام.

سروش نوجوان؟

محبوب نوجوانی‌ام.

رشد نوجوان؟

داداش بزرگ‌تر نوجوانی‌ام.

قطعه شهدا؟

یکی از دلپذیرترین جاهای تهران برای من.

غزه؟

یک دنیا سختی و رنج.

جنگ ۱۲ روزه؟

از شگفتی‌های خدا برای مردم ما.

دوست دارید آخرین کلمه‌ای که می‌شنوید چه باشد؟

یا زهرا(س).

سیدمحمد سادات‌اخوی در یک عبارت؟

جست‌وجوگر سرکش ناآرام.

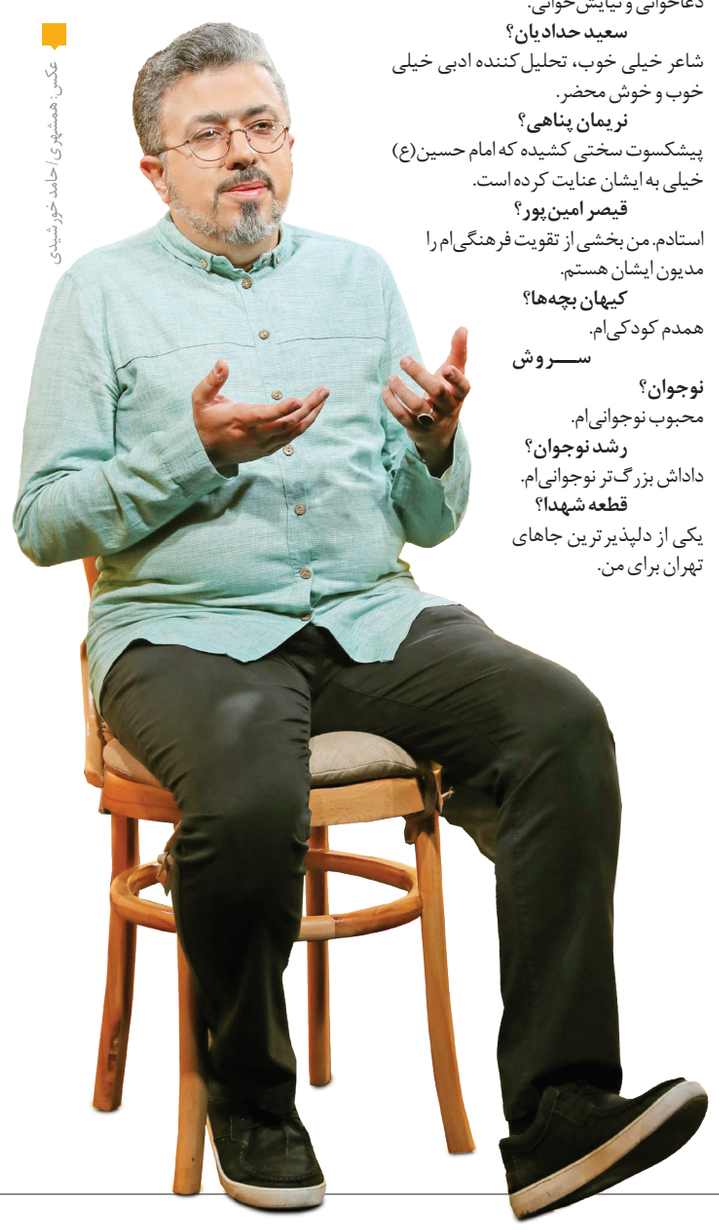

عکس: همشهری/ حامد خورشیدی

پیشنهاد کتاب

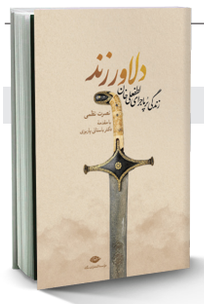

دلاور زند

زندگی پرماجرای لطفعلی‌خان زند

بدون شک یکی از چهره‌های گمنامی که بایستی تاریخ ایران به‌وجود او افتخار کند، شرح زندگی پرماجرا و سراسر ناکامی او را به‌عنوان یک فصل برجسته در خود ضبط کند، لطفعلی خان زند، نوه دلیر و شجاع کریمخان زند، سرسلسله خاندان زندیه است؛ دلاوری که اگر خیانت اطرافیان و اقبال بد خودش نبود احتمال داشت افتخارات سایر سرداران نامی ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد ویکی از بزرگ‌ترین فرمانروایی جهان را به‌وجود آورد. در کتاب دلاور زند سعی شده است حقایق مسلم تاریخی در قالب یک داستان مهیج و شیرین که شامل دوران پرحادثه جوانی و سلطنت کوتاه و ناکامی‌های پی در پی این شاهزاده است نوشته شود و خوانندگان را با یکی از دلاوران این سرزمین آشنا کند. درواقع دلاور زند رمانی تاریخی است درباره آخرین بازمانده سلسله زندیه. روایتی است خواندنی و گیرا از زندگی لطفعلی خان زند و درعین‌حال تصویری است هولناک از یکی از خونبارترین مقاطع تاریخ ایران، یعنی سربرآوردن آغامحمدخان قاجار در پی قتل‌عامی فجیع در کرمان. گرچه این کتاب درنهایت اثری ادبی است آغشته به خیال‌پردازی‌های نویسنده‌اش، اما در روایت رخدادهای تاریخی به واقعیت تاریخی وفادار مانده است و ازاین‌رو برای علاقه‌مندان تاریخ هم کتابی است راهگشا. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «سال ۱۲۰۰ هجری؛ در این سال پرماجرا هر خطه از خاک میهن ما به‌دست یک امیر خودسر اداره می‌شود. در هر ولایت یک گردنکش قلدر، بدون اینکه مرکزیتی برای کشور قائل شود، در کمال گستاخی و بی‌پروایی به چپاول اموال و نوامیس مردم مشغول است. در نواحی جنوبی، امرای باقیمانده زندیه که به‌تدریج قدرت آنها رو به افول می‌رود، داعیه حکمرانی دارند. در نواحی شمالی، قاجارها قد علم کرده‌اند و فکر تصرف تمام ایران را در سر می‌پرورانند. در رأس سلسله زندیه، پادشاه زبون و سست‌عنصری قرار دارد به نام جعفرخان که چون قطعه مومی در دست اطرافیان خود اسیر است و فرمانفرمای قاجار، آغامحمدخان، مقطوع‌النسل است که باهوش و زیرک و حیله‌گر است. در سایر نقاط هم حکام و امرای دیگری حکمروایی دارند که البته تحت‌الشعاع قدرت این سلسله‌اند.» دلاور زند، نوشته نصرت نظمی با مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی را نشر نگاه منتشر کرده است.

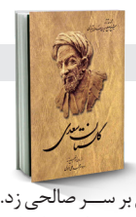

قصه‌های کهن

فرصت غنیمت دانستن

مردم‌آزاری را حکایت کنند که سنگی بر سر صالحی زد. درویش را مجال انتقام نبود. سنگ را نگاه همی داشت تا زمانی که مَلِک را بر آن لشکری خشم آمد و در چاه کرد. درویش اندرآمد و سنگ در سرش کوفت. گفتا: تو کیستی و مرا این سنگ چرا زدی؟ گفت: من فلانم و این همان سنگ است که در فلان تاریخ بر سر من زدی. گفت: چندین روزگار کجا بودی؟ گفت: از جاهت [مقام و بزرگی] اندیشه همی کردم. اکنون که در چاهت دیدم، فرصت غنیمت دانستم./ناسزایی را که بینی بختیار/عاقلان تسلیم کردند اختیار/چون نداری ناخن درنده تیز/با ددان آن به که کم گیری ستیز/هر که با پولادبازو پنجه کرد/ساعد مسکین خود را رنجه کرد/باش تا دستش ببندد روزگار/پس به کام دوستان مغزش برآر

گلستان سعدی

جدول اعداد | ۵۱۴۶

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

ساده

	۸	۲				۳	۴	
۱	۹			۶			۸	۷
		۸	۱		۵	۶		
	۵						۲	
		۹	۲		۸	۷		
۹	۲			۸			۳	۶
	۷	۳				۵	۱	

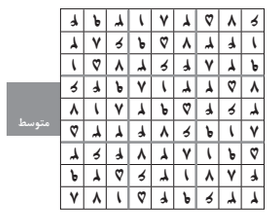

متوسط

سخت

				۳		۸		
	۴				۶		۹	
		۱	۲				۷	
					۸			۳
		۳				۶		
۱			۴					
	۸				۲	۹		
	۲		۳				۵	
		۶		۵				

متوسط

					۵			۸
		۷		۳		۵		
۵					۷	۴	۶	
	۱	۹	۶					
۳								۷
					۸	۹	۴	
	۲	۸	۴					۱
		۳		۵		۶		
۶			۲					

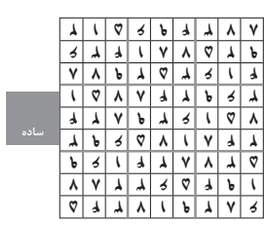

ساده

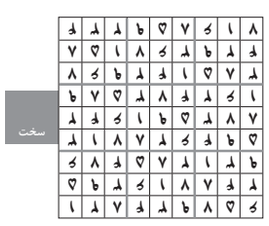

سخت

جدول ۹۴۹۸

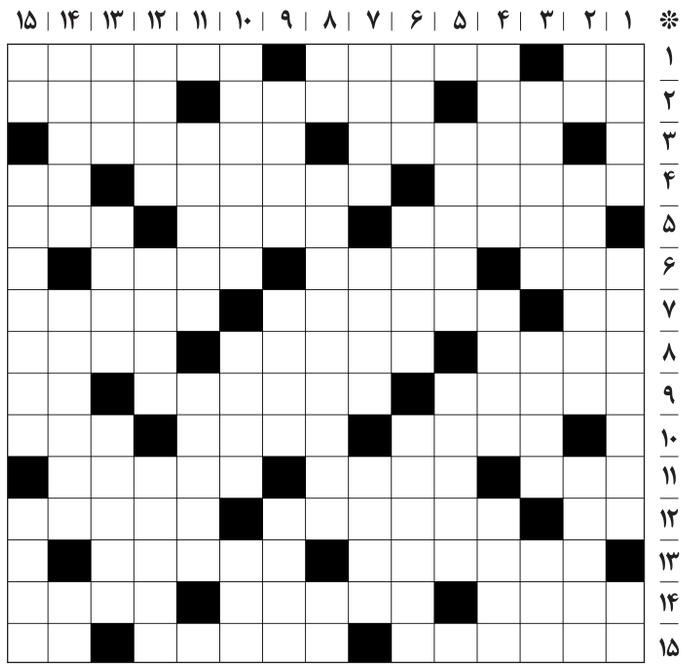

افقی:

۱- غصه- تندرستی- امیدواری
۲- اتاق ریلی- دیلماج- هستی
۳- آنچه از زمین بروید- منطقه کردنشین شمال عراق
۴- جعبه نگهداری اموال- مأمور کشیک- تیر پیکاندار
۵- طعام- شرط‌بندی- سرافرازی
۶- زمینه پشت سوژه در عکاسی- نوعی طلاق- احسان
۷- حیوان وحشی- آسمانی و معنوی- مرطوب
۸- اصطلاحی در شطرنج- اقسام، گونه‌ها- مفتاح
۹- درجه مرغوبیت- خدمت وظیفه- نت ششم
۱۰- باقیمانده- آسان- ظرف لباسشویی
۱۱- اسب رستم- از محلات شمال تهران- از فرزندان آدم و حوا
۱۲- زمین آذری- غیرحرفه‌ای- واجبات دینی
۱۳- قرابت- لجباز
۱۴- زوال‌پذیر- چوپان- پول خرد گرجستان
۱۵- برنامه رقابتی- از نام‌های قرآن- صدای پاره شدن کاغذ

عمودی:

۱- شناگر زیردریا- از خود گذشتگی- دهان
۲- ضمیر جمع- نخود بوداده و برشته شده- برخی در خواب می‌کشند!
۳- چرخ- بازپرس قدیم- از گناهان کبیره
۴- حسگر الکتریکی- برتری- سخنور
۵- رویارویی- سرتاسر
۶- بدون خطر- برادر شیرازی- اتمسفر
۷- موقر- نام اصلی میرزا کوچک خان- پدر خود را در کودکی از دست داده
۸- نشانه صفت تفضیلی- فیلم درام آمریکایی به کارگردانی و بازی کلینت ایستوود- نشانه مصدر جعلی
۹- میدان جنگ- خشک- پلکان درشکه
۱۰- معادل فارسی فلاسک- نارسانا- گویشی در غرب ایران
۱۱- زره جنگاوران قدیم- شترگاوپلنگ
۱۲- حیوانی با شاخ‌های زیبا- نیروی یاری‌رسان- سرخ کردن
۱۳- نام اختصاری راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران- نام کوچک کاسترو- شایستگی
۱۴- شهری در جنوب آلمان- گردشگاه معروف تبریز- ردیف
۱۵- عنصر مؤثر در تنظیم فعالیت‌های بدن- ترجمه- جانشین اسم در دستور زبان

حل جدول شماره ۹۴۹۷